

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی

سال چهاردهم، شماره چهل و هشتم، پاییز ۱۳۹۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۵/۰۵

تاریخ تصویب: ۱۳۹۸/۱۰/۱۴

صفحات: ۱۰۷ - ۱۳۲

دولت، جامعه مدنی و سرمایه اجتماعی در ایران

(بررسی سال های ۱۳۷۶-۱۳۹۲)

سیده لیلا موسوی

دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

احمد ساعی *

دانشیار دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران.

چکیده

در سال‌های اخیر، مباحث فراوانی در خصوص سرمایه اجتماعی و وجوه گوناگون آن در سطح بین‌المللی و همچنین در جامعه‌ی علمی ایران مطرح شده است. با توجه به اهمیت سرمایه‌ی اجتماعی در عملکرد جوامع در حوزه‌های مختلف، یکی از مهمترین مباحث مطرح شده پیرامون این موضوع راه‌ها و چگونگی تقویت و از سویی دیگر، تضعیف سرمایه اجتماعی بوده است. در این ارتباط، از عوامل متعددی در هر دو سطح خرد و کلان نام برده شده است؛ با این همه، به نظر می‌رسد با وجود تعدد مطالب مرتبط با بحث تقویت یا تضعیف سرمایه اجتماعی، نقش دولت به نوعی مغفول مانده و کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در این مقاله، با توجه به حضور دولت به عنوان بازیگری یکه‌تاز و برتر در عرصه‌ی سیاسی- اجتماعی ایران در طول سده‌های طولانی گذشته تا به امروز، بر نقش دولت در زمینه تضعیف سرمایه‌ی اجتماعی، به ویژه در خصوص مشارکت، به عنوان یکی از مولفه‌های مهم سرمایه اجتماعی تاکید شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد در طول سالهای ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ با تضعیف سرمایه اجتماعی در ایران مواجه بوده‌ایم. **واژگان کلیدی:** سرمایه اجتماعی، دیدگاه همیاری، ساخت قدرت در ایران، جامعه مدنی.

مقدمه

موضوع سرمایه اجتماعی سابقه‌ای طولانی در علوم اجتماعی ندارد. با این همه، توجه به مسائلی همچون رعایت سنت‌ها و ارزش‌های جامعه به مثابه بنیان‌های اخلاقی از یک سو و نقش آن در حفظ و نگهداشت انسجام اجتماعی و تثبیت جایگاه قدرت سیاسی از سوی دیگر همواره مورد توجه بوده است. از فلاسفه یونان باستان همچون سقراط و افلاطون گرفته که بر عمل اخلاقی و حفظ بنیان‌های ارزشی جامعه تاکید می‌کردند تا ماکیاوولی که در عصر جدید بر فضیلت افراد و جامعه در ارتقای جایگاه جوامع تاکید داشت، مضمون سرمایه اجتماعی و عناصر تشکیل‌دهنده آن همچون هنجارها و اعتماد به نوعی مورد توجه قرار داشته است. با ورود به قرن بیستم و تغییرات اساسی در نظم اجتماعی و سیاسی که تا حدود زیادی با انقلاب در فناوری روبرو بود، مفهوم سرمایه اجتماعی به شکل نوین مورد تاکید قرار گرفت و متولد شد. امروز دیگر جای تردیدی نیست که سرمایه اجتماعی اگر نه در جایگاه برترین سرمایه، اما حداقل در کنار سایر سرمایه‌ها، از سرمایه انسانی گرفته تا سرمایه اقتصادی، جایگاهی ویژه در جوامع مختلف دارد. مباحثی که امروز در خصوص اهمیت سرمایه اجتماعی در موضوعاتی همچون حکمرانی خوب و توسعه در ابعاد مختلف سیاسی و شهروندی و اقتصادی مطرح می‌شود، خود گویای اهمیت این موضوع است. اهمیت یافتن جهانی این موضوع به تدریج محققین ایران را نیز از دهه ۱۳۸۰ شمس‌ی متوجه اهمیت سرمایه اجتماعی ساخت و مطالعات در این باره شکل گرفت. در سال‌های اخیر، سرمایه اجتماعی موجی مطالعاتی را در کشور ایجاد کرده و پژوهش‌های بسیاری در این باره در سطوح مختلف محلی، استانی و حتی کشوری انجام گرفته است. بررسی نتایج بسیاری از پژوهش‌های صورت گرفته، از جمله پژوهش سطح کشوری ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان که در قالب موج اول، موج دوم و موج سوم به ترتیب در سال‌های ۱۳۷۹، ۱۳۸۲ و ۱۳۹۴ صورت گرفته، از کاهش سرمایه اجتماعی در ایران حکایت دارد. با توجه به نتایج تحقیقات صورت گرفته، این پژوهش به دنبال پاسخ به این پرسش است که با قبول پیش‌فرض کاهش سرمایه اجتماعی در ایران که نتایج تحقیقات متعدد کمی و کیفی موید آن است، چرا سرمایه اجتماعی در کشورمان کاهش یافته است؟ در پاسخ به این پرسش، با قبول وجود عوامل متعدد برای کاهش سرمایه اجتماعی در ایران، بر عملکرد دولت به مثابه یکی از عوامل کلیدی کاهش سرمایه اجتماعی تاکید شده است.

از زمانی که نخستین واحدهای سیاسی منسجم شکل گرفت تا به امروز، دولت جایگاه خود را به عنوان مهم‌ترین و اثرگذارترین واحد سیاسی حفظ کرده است. هرچند در دهه‌های گذشته، متفکرین لیبرال و نولیبرال و از سوی دیگر، آنارشیست‌ها، هرکدام از دید خود به دنبال تضعیف جایگاه دولت و کوچک کردن آن بوده‌اند، با این همه، هنوز هم کمتر کسی است که دولت را به

_____ دولت، جامعه مدنی و سرمایه اجتماعی در ایران (بررسی سال های ۱۳۷۶-۱۳۹۲) ۵

عنوان بازیگر اصلی سپهر سیاست به رسمیت نشناسد. دولت در ایران نیز چه در دوره‌های گذشته و چه در زمان معاصر، در تقابل با جامعه و نیروهای اجتماعی و آنچه امروز جامعه مدنی شناخته می‌شود، همیشه پیروز بوده است. از آنجا که جامعه مدنی و عناصر سازنده آن همچون احزاب، مطبوعات آزاد و سازمان‌های مردم‌نهاد غیردولتی (NGOs) تاثیری بسزا بر تقویت و یا تضعیف سرمایه اجتماعی دارند، از این رو، چگونگی و کم‌وکیف رابطه دولت و جامعه به واسطه تاثیرگذاری جامعه مدنی بر سرمایه اجتماعی، به نوعی نشان‌دهنده نقش دولت در تقویت و یا تضعیف سرمایه اجتماعی است. این نوشتار نیز با تاکید بر یک‌تازی تاریخی دولت در پهنه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایران از سویی و رابطه دولت و جامعه مدنی از سوی دیگر، به دنبال بررسی اثرگذاری دولت بر سرمایه اجتماعی به واسطه بررسی رابطه دولت و جامعه مدنی است.

۱. چارچوب مفهومی

۱-۱) دولت

دولت مفهومی کلیدی در علوم سیاسی و شاخه‌های مرتبط با آن همچون جامعه‌شناسی، فلسفه‌ی سیاسی و حتی اقتصاد سیاسی است. مفهومی که از دیرباز مورد توجه علمای سیاست در جای‌جای گیتی و با هر طرز تفکری قرار داشته است. برخی همچون آنارشئیست‌ها وجودش را غیرضروری دانسته‌اند و برخی دیگر آن را مهم‌ترین بازیگر عرصه‌ی سیاست دانسته و در خصوص ضرورت وجودش، کتاب‌ها نوشته‌اند. برخی گروه‌های فکری همچون مارکسیست‌های ارتدوکس آن را ابزار دست طبقه مسلط دانسته‌اند و برخی دیگر برایش وجودی مستقل قائل شده‌اند. دولت در طول سالیان دراز، دچار تغییر و تحولاتی ژرف شده است. از واحدی ساده در قالب اشکال اولیه‌ی اداره‌ی حکومت، به تدریج به دولت‌های پیچیده‌تر در قالب بزرگ امپراطوری‌های باستان همچون امپراطوری ایران تبدیل شد و در نهایت، در بستر تحولات سیاسی و اجتماعی اروپای قرون وسطی به دولت-ملت‌های امروزی یا به عبارتی، دولت مدرن بدل گشت. «می‌توان گفت دولت یک کل منسجم است که دارای چهار رکن و شاخص بارز است که عبارت‌اند از: مردم، سرزمین، حکومت یا سازمان، حاکمیت.» (عالم، ۱۳۹۲: ۱۳۶) در نهایت، دولت را به تعریف وبری می‌باید تنها سازمانی دانست که کاربرد زور مشروع را در انحصار خود دارد. نگاهی به پیشینه تاریخی دولت و عملکرد آن در ایران نشان می‌دهد دولت به صورت تاریخی به واسطه‌ی در اختیار داشتن منابع و با توجه به مشروعیت نظام سیاسی در ذهن مردم که عمدتاً ناشی از غلبه‌ی نظریه‌ی پدرشاهی و قبول پادشاه به عنوان پدر مردم و نمایندگی او از طرف خداوند در ایران بوده است، همواره از قدرت بالایی برخوردار بوده و مردم بسیاری از نیازهای خود را از دولت طلب کرده‌اند.

۲-۱) سرمایه اجتماعی

مفهوم سرمایه‌های اجتماعی در زمره‌ی مفاهیمی است که در سال‌های اخیر، در عرصه‌های گوناگون از علم سیاست گرفته تا عرصه‌ی اقتصاد، اهمیت بسزایی یافته است. وجود سرمایه‌ی اجتماعی در هر گروه و هر جامعه‌ای می‌تواند کنش‌های اجتماعی را تسهیل نموده و حل مشکلات و معضلات موجود در سطح آن واحد را آسان‌تر سازد. سابقه اصطلاح سرمایه اجتماعی (به معنای امروزی آن) به ۸۰ سال پیش و نوشته‌های لیدا جی. هانیفان، سرپرست وقت مدارس ویرجینیای غربی در آمریکا بر می‌گردد (دینی ترکمانی، ۱۳۸۶: ۱۴۹). کاربرد سرمایه اجتماعی در مقالات دانشگاهی به‌ویژه در رشته‌های جامعه‌شناسی، اقتصاد و سیاست با کارهای افرادی چون کلمن، بوردیو، پاتنام و فوکویاما افزایش یافته است (Wall et al, ۱۹۹۸: ۲۵۹). کلمن و پاتنام از «گلن لوری» به عنوان واژه‌ساز «سرمایه اجتماعی» یاد کرده‌اند. پژوهش سازنده‌ای که کلمن (۱۹۸۷ و ۱۹۸۸ و ۱۹۹۰) درباره آموزش و پرورش انجام داد و کاری که پاتنام (۱۹۹۳ و ۱۹۹۵) راجع به مشارکت مدنی و عملکرد نهادی انجام داد، الهام‌بخش اکثر کارهای جاری شد (تاجبخش، ۱۳۸۴: ۵۳۵).

یکی از دشواری‌های پژوهش در خصوص سرمایه اجتماعی، نبود دیدگاه واحد و مشخصی است که تمامی اندیشمندان بر آن اجماع داشته باشند. البته، این دشواری تنها مختص به اصطلاح سرمایه اجتماعی نبوده و در خصوص بسیاری دیگر از مفاهیم و اصطلاحات در حوزه علوم انسانی و اجتماعی صادق است. با توجه به این موضوع، تاکنون تعاریف متعددی از مفهوم سرمایه اجتماعی از سوی سازمان‌های بین‌المللی و نظریه‌پردازان مطرح این حوزه ارائه شده است. سازمان همکاری توسعه اقتصادی سرمایه اجتماعی را به مثابه شبکه‌های متداخلی از هنجارها و ارزش‌های مشترک تعریف می‌کند که همکاری را میان افراد درون یک گروه و یا همکاری میان گروهی را تسهیل می‌کند. (OECD, ۲۰۰۱) بانک جهانی تعریفی گسترده‌تر از سرمایه اجتماعی دارد و آن را شامل نهادها، روابط و هنجارهایی می‌داند که کنش‌های اجتماعی را به شکلی مشابه در جامعه شکل می‌دهند. (World Bank, ۲۰۰۷) نان لین سرمایه اجتماعی را نوعی سرمایه‌گذاری در روابط اجتماعی می‌داند که با بازده مورد انتظار در بازار تعریف می‌شود. البته، بازار لفظی استعاره‌ای است که در آن افراد با درگیر شدن در تعاملات و شبکه‌های اجتماعی، منافع مورد انتظار را تولید می‌نمایند. (Lin, ۲۰۰۱: ۲۱) بوردیو از جمله افرادی است که تحقیقات گسترده‌ای در ارتباط با موضوع سرمایه اجتماعی انجام داده است. از نگاه وی، سرمایه در قالب سه نوع اساسی و بنیادی شناخته می‌شود که عبارتند از سرمایه اقتصادی، سرمایه فرهنگی و سرمایه اجتماعی (فاین، ۱۳۸۵: ۱۱۲). بوردیو نقش بیشتری را به زمینه اجتماعی اختصاص می‌دهد، چرا که در جهان وی در نهایت، سرنوشت مردم و آنچه برای آنها

دولت، جامعه مدنی و سرمایه اجتماعی در ایران (بررسی سال های ۱۳۷۶-۱۳۹۲) ۵

رخ می‌دهد، مدنظر است (Jenkins, ۲۰۰۲: ۹۱). او سرمایه اجتماعی را مجموع منابع، فیزیکی یا غیرفیزیکی در دسترس فرد یا گروهی می‌داند که دارای شبکه نسبتاً بادوامی از ارتباطات نهادینه شده هستند. (Bourdieu, in Bourdieu & Wacquant, ۱۹۹۲: ۱۱۸-۱۱۹).

نگاه جیمز کلمن، جامعه‌شناس مشهور آمریکایی، از سرمایه اجتماعی با نگاه بوردیو تفاوت دارد. از نظر کلمن، سرمایه اجتماعی نمایانگر منبعی است از انتظارات دو طرفه، و بنابراین، با شبکه‌های گسترده‌تر ارتباطات، اعتماد و ارزش‌های مشترک، بالاتر از افراد قرار می‌گیرد. به اعتقاد کلمن، سرمایه اجتماعی عملی است که از طریق آن، به تشریح چگونگی امکان همکاری بین افراد بپردازد. سرمایه اجتماعی در نزد کلمن به مثابه دست نامرئی در سیستم نظریه اقتصادی کلاسیک عمل می‌کند (کلمن، ۱۳۷۷: ۴۶۲).

از بین نویسندگان، پاتنام متفاوت‌ترین رویکرد را نسبت به سرمایه اجتماعی اتخاذ کرده است. نظریه سرمایه اجتماعی پاتنام همانندی بسیاری با ایده همبستگی دورکیم دارد. در همین حال، نظریه پاتنام همانندی‌هایی نیز با آرای دو توکویل دارد. وی به وضوح نسبت به اجتماعی رفتار کردن در مقابله با قدرت گروه‌ها و لاقیدی اجتماعی خوش‌بین است. او نیز چون توکویل در مورد التزام شهروندی خوش‌بین است. (فیلد، ۱۳۸۶: ۱۰۹). پاتنام منابع سرمایه اجتماعی را اعتماد، هنجارهای روابط زیردستان متقابل و شبکه‌های افقی تعامل می‌داند که خود تقویت‌کننده و خود افزون هستند. از نظر او ویژگی بازتولیدی سرمایه اجتماعی منجر به تعامل اجتماعی همراه با سطح بالایی از همکاری، اعتماد، بده‌بستان و روابط متقابل، مشارکت مدنی و رفاه اجتماعی می‌گردد. (الوانی و شیروانی، ۱۳۸۵: ۲۸-۲۶).

آخرین چهره مطرح در بررسی و مطالعه نظری سرمایه اجتماعی فرانسیس فوکویاما اندیشمند آمریکایی است. او سرمایه اجتماعی، یعنی شبکه‌های انجمنی، ارزش‌های جمعی، و هنجارهای فرهنگی را عنصر کلیدی تعیین‌کننده عملکرد اقتصادی در سطح کلان می‌داند. (تونکیس و همس، ۱۳۸۷: ۱۱۳). از دید فوکویاما، سرمایه اجتماعی بر پایه هنجارها و ارزش‌های مشترک در یک اجتماع و همچنین بر تمایل به جایگزینی منافع شخصی با منافع گسترده‌تر استوار است. ارزش مشترک به بازیگران اجازه می‌دهد تا به یکدیگر اعتماد کنند، که نوعاً اعتماد از اعضای یک اجتماع دارای رفتار مشارکتی، صادقانه و متعادل، بر پایه‌ی هنجارهای مشترک رایج انتظار می‌رود. اعتماد امری است که به افراد امکان می‌دهد تا با دیگران معاشرت کنند و از این طریق به ظهور سرمایه اجتماعی می‌انجامد، که این توانایی را به افراد می‌دهد تا برای تحقق اهداف مشترک با همدیگر همکاری کنند. (شجاعی‌باغینی و همکاران، ۱۳۸۷: ۳۵۴). به باور او، سرمایه اجتماعی را به‌سادگی می‌توان به عنوان وجود مجموعه معینی از هنجارها یا ارزش‌های غیررسمی تعریف کرد که اعضای گروهی که همکاری و تعاون میان‌شان مجاز است، در آن

◇ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و هشتم، پاییز ۱۳۹۸ ———

سهیم هستند. مشارکت در ارزش‌ها و هنجارها به‌خودی‌خود باعث تولید سرمایه اجتماعی نمی‌گردد، چرا که این ارزش‌ها ممکن است ارزش‌های منفی باشد (فوکویاما، ۱۳۷۹: ۱۱). رویکردهای متفاوتی در راستای سنجش سرمایه اجتماعی وجود دارد. در رویکرد نخست، واژه کلیدی اعتماد می‌باشد، اما در رویکرد دوم، باور این است که به خاطر کیفی بودن سرمایه اجتماعی، سنجش آن بسیار دشوار است و برای اندازه‌گیری آن می‌توان از متغیرهایی چون جنایت، فروپاشی خانواده، میزان طلاق و ... استفاده کرد. (قاسمی و دیگران، ۱۳۹۲: ۹) فوکویاما از جمله افرادی است که به این نگاه باور دارد. وی معتقد است که شیوه‌ای جایگزین برای سنجش و تخمین سرمایه اجتماعی وجود دارد که با سنجش هنجارهای اجتماعی غیرمولد و به تعبیری منفی در ارتباط است. فرض وی بر این است که چون سرمایه اجتماعی وجود هنجارهای رفتاری مثبتی بر تشریک مساعی را منعکس می‌کند، انحرافات اجتماعی نیز بالفعل بازتاب نبود سرمایه اجتماعی خواهد بود. با توجه به تاکید ویژه فوکویاما بر هنجارهای اجتماعی و اثرگذاری آن بر مفهوم سرمایه اجتماعی در این نوشتار، نگاه نظری فوکویاما به سرمایه اجتماعی که بر سطح تحلیل کلان نیز تاکید دارد، مورد پذیرش است.

نظریه‌پرداز	تعریف	کارکرد/هدف	سطح تحلیل
پاتنام	شبکه‌های روابط اجتماعی با مشخصه‌های اعتماد و همیاری	تسهیل کنش جمعی و کسب منفعت متقابل	مناطق، اجتماعات ملی و بین‌المللی
بورديو	منابع لازم برای فراهم کردن دسترسی به کالاهای جمعی	تولید سرمایه اقتصادی	رقابت‌های طبقاتی
کلمن	جنبه‌هایی از ساختار اجتماعی برای تسهیل کنش‌های منطقی	تولید سرمایه انسانی	افراد در خانوار و دیگر اجتماعات
لین	دسترسی و استفاده از منابع نهفته در روابط و شبکه‌های اجتماعی	تولید و حفظ منابع قدرت	افراد در شبکه‌ها و ساختار اجتماعی
فوکویاما	مجموعه‌ای از هنجارها یا ارزشهای غیررسمی	ترویج همکاری، کارایی اقتصادی	جوامع و فرهنگ‌ها
بیکر	منبعی که از طریق شبکه‌های فردی یا سازمانی قابل حصول‌اند	تقویت بده‌بستان و کنش متقابل	گروه‌ها و سازمانها
پاکستون	پیوستگی‌های عینی و ذهنی افراد	افزایش ظرفیت و قابلیت کنش	خرد، کلان
گیدنز	روابط اجتماعی در مقیاس‌های محلی و فرامحلی، نظم اجتماعی	نظم اجتماعی، کاهش فساد اجتماعی	محلی و جامعه

۳-۱) جامعه مدنی

مفهوم جامعه‌ی مدنی به قرون گذشته‌ی تفکر غربی بر می‌گردد و ریشه‌های آن را باید در یونان قدیم به‌ویژه در حیات جمعی در دولت، شهر یونان باستان جستجو کرد. ابتدا این ارسطو بود که به مفهوم جامعه‌ی مدنی توجه ویژه کرد. این عبارت در واقع از سوی ارسطو برای اشاره به تمام اشکال و اندازه‌های اجتماع انسانی به کار برده شده بود که اعضای آن به واسطه‌ی برخی مشترکات و آنچه با یکدیگر سهیم شده بودند، در کنار یکدیگر باقی می‌ماندند. (Laine, ۲۰۱۴: ۶۰) «می‌توان گفت جامعه‌ی مدنی به سه مفهوم در سنت اندیشه‌ی غربی بکار رفته است. نخست، به عنوان وضعیتی که پیش از تکوین دولت وجود داشته است؛ دوم، به عنوان وضعیتی که پس از زوال دولت پدید می‌آید... مفهوم سوم در اندیشه‌های آنارشیستی رایج بود که جامعه

◇ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و هشتم، پاییز ۱۳۹۸ ———
مدنی را جانشین دولت در آینده تلقی می‌کردند. (بشیریه، ۱۳۸۶: ۵۶۸) اصطلاح جامعه‌ی مدنی گسترده است و گروه‌های مختلف از جمله احزاب، مطبوعات و سازمان‌های مردم‌نهاد را در بر می‌گیرد.

ادبیات پژوهش (تضعیف سرمایه اجتماعی در ایران)

در ارتباط با عوامل تاثیرگذار بر کاهش سرمایه اجتماعی در سطح جهانی، کارهای متعددی صورت گرفته است. از جمله می‌توان به مقاله «تغییرات اجتماعی و ناهنجاری؛ یک بررسی میان‌کشوری» که توسط روهیو زائو و لیکوئان کائو (۲۰۱۰) نوشته شده است، اشاره کرد. نویسندگان در این مقاله، با اشاره به مباحث مرتبط با ناهنجاری، به متغیرهای اقتصادی به مثابه عوامل موثر در حرکت افراد و جوامع به سمت ناهنجاری و افول سرمایه اجتماعی تاکید می‌کنند. (Zao and Cao, ۲۰۱۰)

دنيس هوشاکا و استفن مائو در مقاله‌ای با عنوان ناهنجاری اجتماعی و جدایی نژادی در آفریقای جنوبی، بر نقش متغیرهایی همچون سطح فساد، اشتغال و همچنین سطح درآمد به مثابه متغیرهای تاثیرگذار بر ناهنجاری اجتماعی در آفریقای جنوبی و افول سرمایه اجتماعی در این کشور تاکید دارند. (Hoshako and Mao, ۲۰۰۶)

ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (پیمایش ۱۳۷۹، ۱۳۸۲ و ۱۳۹۴) و پیمایش ملی فرهنگ سیاسی مردم ایران (۱۳۸۴) پژوهش‌های ملی‌ای هستند که به ترتیب از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران انجام شده است. اطلاعات بدست آمده از این پیمایش، علی‌رغم انتقاداتی که از لحاظ روشی به آن وارد شده، با توجه به بررسی مولفه‌های متعدد و متنوع، داده‌های ارزشمندی را برای پژوهش پیرامون موضوعات مختلف از جمله موضوع سرمایه اجتماعی در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهد. داده‌های به دست آمده همگی موید وضعیت نامطلوب سرمایه اجتماعی در ابعاد مختلف از جمله هنجارهای اجتماعی، اعتماد، شبکه‌ها و مشارکت بوده است.

کیان تاجبخش و همکارانش در مقاله‌ای با عنوان «سرمایه اجتماعی و سیاست‌های اجتماعی (بررسی وضعیت سرمایه اجتماعی در ایران امروز)»، ضمن بررسی اهمیت موضوع سرمایه اجتماعی در حوزه سیاست‌های رفاه اجتماعی و جایگاه این موضوع در برنامه‌های توسعه‌ای کشور، نگاهی به موقعیت سرمایه اجتماعی در ایران امروز انداخته‌اند. نویسندگان با بهره‌گیری از یافته‌های پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌ها که در سال ۱۳۸۰ انجام گرفته، از سطح نازل سرمایه اجتماعی در کشور سخن می‌گویند. نویسندگان این مقاله بر این باورند که سرمایه اجتماعی در ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی تا به امروز روندی نزولی و رو به کاهش را

دولت، جامعه مدنی و سرمایه اجتماعی در ایران (بررسی سال های ۱۳۷۶-۱۳۹۲) ۵
طی کرده است. عامل اصلی و تاثیرگذار در این زمینه چیزی نبوده است جز عملکرد ضعیف دولت و شکست آن در دستیابی به اهداف برنامه‌های تامینی و اقتصادی. (تاجبخش و همکاران، ۱۳۸۲)

علی‌اصغر فیروزجانیان در مقاله‌ای با عنوان «فراتحلیل مطالعات انجام شده در حوزه ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی»، با بررسی پژوهش‌های انجام گرفته در حوزه ناهنجارهای اجتماعی در ایران، به این موضوع اشاره می‌کند که هنجارهای اجتماعی و به طبع آن سرمایه اجتماعی بر اساس تحقیقات مختلف در ایران امروز رو به افول است. (فیروزجانیان، ۱۳۸۷)

رحمان سعادت در مقاله‌ای تحت عنوان «برآورد روند سرمایه اجتماعی در ایران (با استفاده از روش فازی)»، به بررسی سرمایه اجتماعی در ایران بین سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۸۱ پرداخته است. نویسنده از دو شاخص مرتبط با سرمایه اجتماعی، یعنی میزان مشارکت جمعی و میزان جرم، برای برآورد سرمایه اجتماعی استفاده کرده است. نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد سرمایه اجتماعی روند نزولی را طی کرده است. این روند نزولی از اوایل دهه ۵۰ تا اواخر دهه ۶۰ خفیف بوده و از اواخر دهه‌ی ۶۰ تاکنون تسریع شده و در سال‌های اخیر کاهش بیشتری در میزان سرمایه اجتماعی دیده می‌شود. (سعادت، ۱۳۸۷)

در ارتباط با رابطه متغیرهای اقتصادی و هنجارهای اجتماعی و تضعیف سرمایه اجتماعی در ایران که موضوع اصلی مقاله است، پژوهش‌های اندکی در کشور انجام گرفته و در این میان می‌توان به کتاب «چرخه‌های افول اخلاق و اقتصاد»، نوشته محسن رنانی و رزیتا مویدفر، اشاره کرد که به مسأله سرمایه اجتماعی و توسعه در ایران مابین سال‌های ۱۳۸۳-۱۳۶۸ پرداخته‌اند. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد علی‌رغم اهمیت نسبی متغیر سرمایه اجتماعی در تعیین میزان موفقیت سیاست‌های توسعه اقتصادی در ایران، وضعیت هنجارستیزی، کاهش اعتماد و عدم پایداری شبکه‌های اجتماعی در کشور تشدید و روند نزولی سرمایه اجتماعی را در سال‌های اخیر موجب شده است. (رنانی و مویدفر، ۱۳۹۰) در مجموع، اغلب پژوهش‌های انجام گرفته در سطح کشوری و سطوح خرد در بازه‌های زمانی متفاوت و از سوی پژوهش‌گران مختلف نشان می‌دهد سرمایه اجتماعی در ایران رو به کاهش بوده و عوامل اقتصادی در این کاهش با اثرگذاری بر هنجارهای اجتماعی، نقشی اساسی داشته است.

۲. چارچوب نظری

در ارتباط با نقش دولت در تقویت و تضعیف سرمایه‌ی اجتماعی، دیدگاه‌های گوناگونی مطرح شده است. «در ادبیات موضوع سرمایه‌ی اجتماعی، تلاش‌های معدودی برای تفکیک رویکردهای مختلف این مفهوم صورت گرفته است. فلیکس رکونا (۲۰۰۳) سه رویکرد شبکه‌های اجتماعی، مشارکت انجمنی و اعتماد تعمیم‌یافته... را در تعریف و تبیین سرمایه اجتماعی تفکیک می‌کنند. در تقسیم‌بندی سودمندتر و جامع‌تری، ولکاک و نارایان (۱۳۸۹) بین چهار رویکرد اساسی به نظریه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی تفاوت قائل می‌شوند که عبارتند از: رویکرد اجتماع‌گرایی، رویکرد شبکه‌ای، رویکرد نهادی و رویکرد هم‌افزایی. (پاک‌سرشت، ۱۳۹۳: ۷۵) به نظر می‌رسد این دسته‌بندی می‌تواند نشان‌دهنده‌ی دیدگاه‌های نظری گوناگون در زمینه رابطه دولت و سرمایه‌ی اجتماعی نیز باشد. در این میان، این مقاله در مقابل دیدگاه‌های شبکه‌ای و اجتماع‌گرا که نقش دولت را به کل نادیده می‌گیرند و دیدگاه نهادی که کاملا دولت محور است، بر رویکرد هم‌افزایی که نگاهی بینابینی به نقش دولت و جامعه مدنی در ایجاد و تقویت سرمایه اجتماعی دارد، تاکید دارد.

۲-۱) رویکرد هم‌افزایی

رویکرد هم‌افزایی در تحلیل چپستی و چرایی سرمایه اجتماعی، تلاش می‌کند کاستی‌های تاکید یک‌جانبه بر وجوه نهادی و شبکه‌ای سرمایه اجتماعی و یا به عبارت دیگر، وجوه فردی و جمعی آن را از طریق ارائه تعریفی از این اصطلاح رفع کند که ابعاد نهادی و شبکه‌ای و همچنین سازمان رسمی و غیررسمی سرمایه اجتماعی را در کنار هم قرار دهد. در دیدگاه همیاری، بر رابطه‌ی تعاملی میان دولت و جامعه‌ی مدنی در زمینه‌ی تقویت سرمایه‌ی اجتماعی تاکید می‌شود. بر اساس این دیدگاه، دولت از اهمیت اساسی برخوردار است. با این همه، برخلاف دیدگاه نهادی، دولت را نباید به عنوان تنها بازیگر موثر قلمداد کرد. «مطالعاتی که از منظر هم‌افزایی درباره‌ی توسعه در کشورهای هند، مکزیک، روسیه، کره جنوبی و برزیل انجام شده، نشان می‌دهد: (۱) نه دولت و نه جوامع هیچ‌کدام ذاتا خوب یا بد نیستند. حکومت‌ها، شرکت‌ها و گروه‌های مدنی متغیرهایی هستند که می‌توانند بر کسب اهداف عمومی تاثیر داشته باشند. (۲) دولت‌ها، شرکت‌ها و اجتماعات به تنهایی صاحب منابع مورد نیاز برای ارتقای توسعه‌ی پایدار، روابط مکمل و مشارکت سازنده که هم در درون و میان این بخش‌های مختلف مورد نیاز است، نیستند. (۳) از میان بخش‌های مختلف، نقش دولت در تسهیل پیامدهای توسعه‌ای مثبت، مساله‌ساز و مهم است، زیرا دولت هم فراهم‌آورنده‌ی نهایی کالاهای عمومی است و هم حاکم و عامل حاکمیت قانون.» (Evanz, ۱۹۹۶: ۱۱۳۰-۱۱۳۳) بر این اساس، در این نوشتار نیز

_____ دولت، جامعه مدنی و سرمایه اجتماعی در ایران (بررسی سال های ۱۳۷۶-۱۳۹۲) ۵
نظریه‌ی هم‌افزایی مورد تایید می‌باشد. اما چرا در این نوشتار فرضیه اصلی این است که دولت در ایران نقشی اساسی در تضعیف سرمایه اجتماعی داشته است؟ پاسخ به این پرسش را بیش از هر چیز باید در ساخت سیاسی و سرشت دولت در ایران جستجو کرد.

۳. ساخت قدرت در ایران: دولت، بازیگری بی‌رقیب

نگاهی به پیشینه تاریخی دولت و عملکرد آن در ایران نشان می‌دهد دولت به واسطه‌ی در اختیار داشتن منابع قدرت همواره از قدرت بالایی برخوردار بوده و مردم بسیاری از نیازهای خود را از دولت طلب کرده‌اند. این ذهنیت تاریخی با وجود گذشت صدها سال به واسطه‌ی حضور دولت‌های اقتدارگرا تداوم پیدا کرده و مردم ایران امروز نیز همچنان به واسطه‌ی تمرکز منابع در دست دولت، بسیاری از نیازهای خود را از اشتغال گرفته تا تامین مسکن، از دولت طلب می‌کنند. اما چه دلایلی موجب شده تا دولت در ایران همچنان بازیگر اصلی صحنه سیاسی، اقتصادی باشد؟

۳-۱) شکل نگرش طبقات اجتماعی

از زمانی که پادشاهی‌های بزرگ در ایران شکل گرفتند، دولت یا به تعبیری حکومت همواره قدرتی بلامنازع بوده که در طول سده‌ها از سوی هیچ نیروی اجتماعی به شکلی موثر مورد تهدید قرار نگرفته است. «این درست برخلاف اروپاست که در دوران نوزایی یا به عبارتی رنسانس قدرت دولت به تدریج از سوی نیروهای رقیب به چالش کشیده شد. عاملی که یکی از دلایل اصلی آن پا نگرش طبقات اجتماعی در کشورهایی همچون ایران و در مقابل شکل‌گیری طبقات در اروپا بوده است ... در ایران، قدرت حکومت در قالب قدرت پادشاه همواره به صورت مطلق باقی ماند.» (زیباکلام، ۱۳۸۵: ۶۳) در حقیقت، در ایران بنا بر سرشت استبدادی رژیم سیاسی حاکم هرگز طبقات اجتماعی - اقتصادی به معنای دقیق جامعه‌شناختی آن در ایران شکل نگرفت و حتی طبقه‌ی اشراف وجود مستقلی نسبت به قدرت سیاسی حاکم مستبد نداشت. (گودرزی، ۱۳۸۹: ۲۰-۱۹) در کنار این موضوع باید به عامل دیگری به نام نبود قانون نیز اشاره کرد.

۳-۲) نبود قانون

شکل نگرش طبقات اجتماعی در ایران خود تا حدودی متأثر از نبود قانونی که محدودکننده قدرت دولت باشد، بوده است. در واقع، در ایران، قانون به معنای ابزاری که تامین‌کننده‌ی حقوق

◇ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و هشتم، پاییز ۱۳۹۸ ———

سیاسی و اجتماعی مردم در قبال حکومت باشد، چندان موجودیتی نیافت. «قانون آن چیزی بود که حکومت اراده می‌کرد، مقررات آن چیزی بود که حکومت به اقتضای مصالح و منافع سیاسی- اجتماعی و اقتصادی‌اش نیاز داشت و اعمال می‌نمود.» (زیباکلام، ۱۳۸۵: ۳۶۷) «در ایران، شاه در راس ساختار قدرت بود، زیرا اجماع عمومی بر اقتدارش او را قادر می‌ساخت ولو با وسایل دست‌وپاگیر، با بیشترین قدرت فرمان براند» (مارتین، ۱۳۸۹: ۳۰) هرچند در برخی از مقاطع تاریخی، بوروکراسی اداری دولت به دلیل نبود پایگاه اجتماعی و دستگاه اداری منسجم، ضعیف بود، اما همان‌گونه که کاتوزیان نیز اشاره می‌کند: «تراکم قدرت استبدادی که به تعبیری به معنای قدرت بالای حکومت می‌باشد، لزوماً موجب تمرکز دستگاه اداری نمی‌شد.» (کاتوزیان، ۱۳۹۱: ۲۰) در کنار این عوامل، برخی از محققین مانند ویتفولگ به عامل شرایط جغرافیایی از جمله کمبود منابع آبی نیز اشاره کرده‌اند.

۳-۳) کمبود منابع آبی، تمرکز منابع قدرت و بسط قدرت دولت

یکی از مهم‌ترین نظریه‌های مطرح در خصوص تاثیر آب بر روی تفوق و چیرگی دولت در ایران، نظریه استبداد شرقی ویتفولگ است. «به باور ویتفولگ، حکومت به علت اختیاری که در نظارت و سلطه بر امور سیاسی جامعه دارد، قادر به کسب «قدرت مطلقه» است و به نیرویی برتر از جامعه تبدیل می‌شود.» (آبراهامیان، ۱۳۷۶: ۱۱) «هرچند نظریه‌ی استبداد شرقی تبیین فرماسیون اجتماعی و سیاسی ماقبل مدرن را در بر می‌گیرد، برخی از پژوهشگران ماهیت ساختار قدرت سیاسی و به‌خصوص دولت مدرن در ایران را به نوعی بازتولید و تداوم همان ساختار دانسته‌اند.» (عیوضی، ۱۳۹۰: ۱۱۴) کمبود منابع آبی و حاکمیت دولت بر آن خود عامل مهمی در جهت تمرکز منابع قدرت در دست دولت بود. این اقتدار بی‌چون و چرای دولت و حق تملک نامحدود حکومت بر منابع آب و زمین به باور لمبتون در مجموع، دست‌نخورده سر از عصر ایران بعد از اسلام نیز درآورد.

۳-۴) شکل‌گیری دولت مدرن و بسط قدرت دولت در ایران

نخستین نشانه‌های دولت مدرن در قالب دولت‌های مطلقه در اروپا پدیدار شد و پس از مدتی جهان شمول شد و با تفاوت‌هایی به دیگر کشورها از جمله ایران نیز رسید. در ایران، دولت مدرن با به قدرت رسیدن رضاشاه در کشور پا گرفت. البته، در این که دولت رضاشاه با کدام یک از گونه‌های دولت غربی هم‌خوانی داشته، جای بحث و گفتگو دارد ... چنان که جان فوران آن را «استبداد نظامی، تجدد و غربی‌گرایی»، آپتون «نظامی نوگرا» و کاتوزیان «شبه‌مدرنیست مطلقه» توصیف کرده‌اند. (نقیب‌زاده، ۱۳۸۶: ۱۸۰) با این همه، به باور کاتوزیان هژمونی

_____ دولت، جامعه مدنی و سرمایه اجتماعی در ایران (بررسی سال های ۱۳۷۶-۱۳۹۲) ۵

شبه‌مدرنیسم دولتی رضاشاه نیز تکیه‌گاه اصلی خود را نهال کهنسال استبداد ایرانی قرار داد. (حاتمی، ۱۳۸۶: ۶۵) تقویت امکانات دولت برای بسط قدرت خود در نواحی مختلف جغرافیایی کشور و دستیابی به امکانات نظامی برتر در جهت اعمال سلطه‌ی قوی‌تر و عریان‌تر عاملی شد تا قدرت دولت در ایران عصر پهلوی و پس از شکل‌گیری دولت مدرن، نه تنها کاهش نیابد، بلکه روندی افزایشی در پیش گیرد. «ساخت قدرت سیاسی در این دوره، یکجانبه و عمودی و هر نوع مشارکت حاصل از این نوع ساخت قدرت، فرمایشی و منفعلانه بود. شاه به عنوان شخص اول مملکت و عنصر اصلی ساختار اجتماعی و سیاسی در تارک نظام سیاسی قرار داشت.» (سردارآبادی، ۱۳۸۶: ۳۲۸) در این میان، یک ویژگی دیگر نیز به تحکیم قدرت دولت در عرصه‌ی سیاسی و اجتماعی عصر پهلوی دوم کمک می‌کرد و آن هم چیزی نبود جز درآمدهای بادآورده‌ی نفتی که دولت را در ایران به دولتی رانتیر مبدل ساخته بود. این ویژگی به دولت استقلالی مالی بخشید و کاری کرد تا دولت به واسطه‌ی استقلال مالی، به مردم پاسخ‌گو نباشد. «این درآمدها طی سال‌های ۴۶-۱۳۴۱ موجب گسترش دستگاه بوروکراسی پیچیده و گسترده‌ای شد که به عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای قدرت مطلقه در انجام اصلاحات حکومتی نقش عمده‌ای داشت.» (بشیریه، ۱۳۸۴: ۹۲) اما تداوم قدرت دولت در دوران معاصر، شکل‌گیری ارتباطی یکسویه میان دولت و جامعه مدنی را نیز به دنبال داشت.

۴. دولت قدرتمند، جامعه‌ی مدنی ضعیف، رابطه‌ای پایدار در تاریخ سیاسی

ایران

ارتباط میان دولت و جامعه‌ی مدنی هرچند در اصل رابطه‌ای ناگسستنی است، اما سرشت و چگونگی این ارتباط تا حدود زیادی به شرایط ثانویه نیز بستگی دارد. برای مثال، «بحران اقتصادی دوران جنگ جهانی دوم موجب شد نقش دولت‌ها حتی در کشورهای غربی بیشتر شود و دیگر کسی خواهان و طرفدار دولت کوچک نباشد. به همین سان، ایدئولوژی‌های ناسیونالیستی در کشورهای جهان سوم با ایجاد ترس از قدرت کشورهای بزرگ یا بیگانه، زمینه‌ی تضعیف جامعه‌ی مدنی را فراهم می‌کردند.» (بشیریه، ۱۳۸۶: ۵۴۰)

اما در دهه‌ی ۱۹۹۰، علاقه به تفکر در زمینه‌ی مفهوم جامعه‌ی مدنی به دلیل گرایش به سوی دموکراسی و نیاز به پوشش دادن شکاف بزرگ ایجاد شده در زمینه‌ی خدمات اجتماعی ارائه‌شده توسط سیاست‌های تعدیل ساختاری و دیگر اشکال اصلاحات در کشورهای در حال توسعه، مجدداً شکل گرفت. (۲: ۲۰۰۴، Ghaus Pasha)

در خصوص چگونگی رابطه‌ی دولت و جامعه‌ی مدنی، دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. برخی جامعه‌ی مدنی را تکمیل و تقویت‌کننده‌ی قدرت دولت در نظر می‌گیرند، اما بسیاری دیگر از

◇ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و هشتم، پاییز ۱۳۹۸ ———

گذشته تا به امروز، جامعه‌ی مدنی را به واسطه‌ی سرشت معترض و مطالبه‌گرایانه‌ی آن در تقابل با دولتی می‌دانند که ابزارهای اعمال قدرت و خشونت و منابع قدرت را به مفهوم وبری در انحصار خود دارد. آن‌ها بر این باورند که جامعه‌ی مدنی در تضاد با دولت است و رابطه‌ای منفی میان دولت و جامعه مدنی وجود دارد. «در نگاه مثبت، جامعه‌ی مدنی در واقع به عنوان بخش سومی که وجودش ضروری است، شناخته شده است. جامعه‌ی مدنی در واقع می‌تواند تأثیری مثبت بر دولت و بازار داشته باشد و این دو را تقویت کند.» (Ghaus Pasha, Ibid: ۲) «از این منظر، لازمه‌ی ظهور جامعه‌ی مدنی عبارت است از: تعدد و تنوع بازیگران، رقابت درون‌گروهی، مشارکت گسترده‌ی سیاسی، منابع متعدد قدرت، استقلال عمل و چرخش نخبگان.» (قوام، ۱۳۷۶: ۴۶) به همین دلیل است که بسیاری از حکومت‌ها در برابر تقویت جامعه مدنی مانع ایجاد می‌کنند. در ایران نیز رویکرد منفی دولت در نگاه به جامعه مدنی و برخورد با آن در بسیاری از موارد وجود داشته و دارد. شاید یکی از مهمترین پیامدهای وجود دولت قدرتمند و یکه‌تازی آن به عنوان بازیگر مسلط در تاریخ ایران، تضعیف قدرت جامعه در برابر دولت بوده است. برخی ضعف دولت در برابر جامعه مدنی در ایران را ناشی از نفوذ و سلطه فرهنگ پاتریمونیالیستی و برخی دیگر متأثر از خصایصی همچون سیاست‌گریزی، بدبینی و چاپلوسی در فرهنگ ایرانی دانسته‌اند. با این همه، به نظر می‌رسد مجموعه این عوامل را می‌باید به عنوان دلایل ضعف تاریخی جامعه مدنی در برابر دولت در ایران به حساب آورد. سرشت یکسویه این رابطه موجب شده تا جامعه‌ی مدنی در ایران در بسیاری از موارد تحت انقیاد دولت نتواند به خوبی ایفاگر کارویژه‌هایی باشد که از آن انتظار می‌رود. این موضوع با توجه به اهمیت جامعه مدنی در زمینه ایجاد و تقویت سرمایه اجتماعی، موجب شده تا سرمایه اجتماعی به اشکال مختلف تضعیف شود.

۵. جامعه‌ی مدنی، سرمایه‌ی اجتماعی؛ رابطه‌ای دوسویه

سرمایه‌ی اجتماعی و جامعه‌ی مدنی دو روی یک سکه هستند و این دو خود توأمان به نوعی از دولت تأثیر می‌پذیرند و بر آن تأثیر می‌گذارند. به عبارتی، باید گفت جامعه‌ی مدنی نقشی مهم در تقویت سرمایه اجتماعی یا تضعیف آن دارد. هرچه جامعه‌ی مدنی به دلیل خواست دولت برای بهره‌گیری از جامعه‌ی مدنی در تقویت پایه‌های قدرت قوی‌تر باشد، تقویت سرمایه اجتماعی در ابعاد گوناگون نیز تسهیل خواهد شد؛ اما در مقابل، ضعف جامعه مدنی موجب ضعف سرمایه اجتماعی در وجوه گوناگون می‌گردد. برخی از پژوهش‌گران بر این باورند که سرمایه‌ی اجتماعی به نوعی بسترساز جامعه‌ی مدنی است. «جامعه‌ی مدنی و نقش آن در نگهداشت و حفظ حکمرانی دموکراتیک درست به مانند سرمایه‌ی اجتماعی موضوعی بسیار محل بحث است. در

دولت، جامعه مدنی و سرمایه اجتماعی در ایران (بررسی سال های ۱۳۷۶-۱۳۹۲) ۵

تعدادی از برداشتهای متفاوت، ارزیابی رقابت‌گونه‌ای از منابع جامعه‌ی مدنی و چگونگی رابطه‌ی آن با دولت و بازار ارائه شده است. یک دیدگاه این است که سرمایه‌ی اجتماعی می‌تواند ظرفیت‌های هنجارهای کنش جمعی را که در فضای جامعه‌ی مدنی رخ می‌دهد، فعال نموده و مولفه‌های پویای آن را ایجاد نماید.» (Ramos-Pinto, ۲۰۰۴: ۲) کلمن و پاتنام بر این باورند و معتقدند که سرمایه‌ی اجتماعی در اشکال پیچیده می‌تواند ابزاری اساسی برای تحلیل ریشه‌های جامعه‌ی مدنی باشد. (Ramos-Pinto, Ibid: ۱۲) به‌رغم تاثیرپذیری غیرقابل‌انکار سرمایه اجتماعی از جامعه‌ی مدنی به نظر می‌رسد می‌باید به نوعی رابطه‌ی تعاملی و دوسویه میان جامعه‌ی مدنی و سرمایه‌ی اجتماعی قائل بود. بدین معنا که بی‌تردید در شرایط قوت جامعه‌ی مدنی، سرمایه‌ی اجتماعی نیز تقویت خواهد شد و در مقابل، وجود یک جامعه‌ی مدنی ضعیف سدی مهم در راه تقویت سرمایه‌ی اجتماعی خواهد بود. ابعاد و مولفه‌های متفاوتی برای سرمایه اجتماعی مطرح شده است که در ذیل به طور اجمالی به آن اشاره می‌شود:



Source: Narayan and Cassidy, ۲۰۰۱: ۶۷

با توجه به توضیحات فوق به نظر می‌رسد که «یکی از عناصر و شاخص‌های کلیدی رهیافت سرمایه‌ی اجتماعی، عضویت و مشارکت در گروه‌های اجتماعی و اعتماد بین‌شخصی است که با تساهل می‌توان آن‌ها را بعد کمی و کیفی سرمایه‌ی اجتماعی نامید؛ یعنی هرچه در جامعه مشارکت مدنی، تعداد انجمن‌های داوطلبانه یا به عبارتی، سازمان‌های مردم‌نهاد (غیر دولتی) بیشتر باشد، سرمایه‌ی اجتماعی نیز بیشتر خواهد بود.» (غفوری و جعفری، ۱۳۸۷: ۲۱۷) در این بین، دولت به صورت مشخص هم بر کم‌وکیف جامعه‌ی مدنی اثرگذار است و هم به اشکال گوناگون می‌تواند موجبات تقویت یا تضعیف سرمایه‌ی اجتماعی را فراهم آورد. «روشن است که دولت‌ها وقتی تصمیم به انجام فعالیت‌هایی می‌گیرند که بهتر است برعهده‌ی بخش خصوصی یا جامعه‌ی مدنی گذاشته شوند، تأثیری به شدت منفی بر سرمایه‌ی اجتماعی بر جای می‌گذارند... در این شرایط، مردم به دولت وابسته می‌شوند و توانایی‌های خودجوش خود را برای کار کردن با یکدیگر از دست می‌دهند.» (فوکویاما، ۱۳۸۵: ۱۹۵) به این ترتیب، وقتی دولت جامعه مدنی را تضعیف می‌کند، سرمایه اجتماعی را نیز تضعیف کرده؛ چرا که میان جامعه مدنی و سرمایه اجتماعی رابطه‌ای مستقیم وجود دارد. اما دولت در ایران معاصر چگونه جامعه مدنی را تضعیف کرده و از این رهگذر موجبات افول سرمایه اجتماعی را فراهم ساخته است؟ در این میان می‌توان به تضعیف احزاب سیاسی، مطبوعات آزاد و سازمان‌های مردم‌نهاد به مثابه سه رکن اساسی جامعه مدنی از سوی دولت اشاره کرد.

۶. دولت، تضعیف جامعه مدنی، تضعیف سرمایه اجتماعی

۶-۱) دولت، تضعیف احزاب سیاسی و مطبوعات

حزب به مثابه یکی از ارکان مهم جامعه مدنی در واقع بسترساز مشارکت، به ویژه مشارکت سیاسی، در سطح جامعه است. اما این مهم منوط به نگاه مثبت دولت به احزاب و تشویق احزاب سیاسی برای حضور واقعی در عرصه سیاسی است. «حزب را می‌توان یک گردهم‌آیی پایدار گروهی از مردم تعریف کرد که دارای عقاید مشترک و تشکیلات منظم‌اند و با پشتیبانی مردم برای بدست آوردن قدرت سیاسی از راه‌های قانونی مبارزه می‌کنند.» (عالم، ۱۳۸۲: ۳۴۵) «احزاب می‌توانند به عنوان ابزاری برای استخدام سیاسی و مجرائی برای اعمال فشار از پائین به بالا عمل کنند و مردم را بسیج نمایند یا در پروژه‌های همیاری در سطح ملی شرکت کنند.» (کلایو اسمیت، ۱۳۸۰: ۳۰۶-۳۰۵) هرچند امروزه با حضور و شکل‌گیری سازمان‌های مردم‌نهاد در سطوح و عرصه‌های مختلف در تمامی جوامع از میزان مشارکت حزبی به نسبت دهه‌ها و حتی سال‌های گذشته کاسته شده است، اما احزاب همچنان در عمل مهم‌ترین سازمان‌های

_____ دولت، جامعه مدنی و سرمایه اجتماعی در ایران (بررسی سال های ۱۳۷۶-۱۳۹۲) ۵

درگیر در فعالیتهای سیاسی هستند و در انتخابات همچنان این احزاب هستند که مردم را به صحنه مشارکت آورده و آرا به نام احزاب به صندوقها ریخته می شود. این که احزاب در ایران معاصر نتوانسته اند با مردم و به صورت روشن تر، طبقات و اقشار اجتماعی گوناگون ارتباط برقرار کرده و در عمل، موفق به انجام کارویژه هایی که از حزب انتظار می رود، نشده اند، خود محل بحث است؛ اما این امر موضوع اصلی یعنی تاثیرگذاری مثبت احزاب و رقابتهای آزاد سیاسی بر تقویت مشارکت سیاسی به عنوان یکی از مهمترین مولفه های که سرمایه اجتماعی را زیر سوال نمی برد. سرمایه اجتماعی و احزاب سیاسی با یکدیگر ارتباط مثبت و مستقیمی دارند. هر دوی آنها در برگزیده اهداف جمعی مشترکی هستند که خیر عمومی را دنبال می کند. احزاب مردم را برای شرکت و پیروزی در انتخابات سازمان می دهند. سرمایه اجتماعی نیز همانگونه که پاتنام اشاره می کند، هدفی جز درگیر ساختن عموم مردم در مسائل جمعی ندارد. مشارکت در سیاست و فعالیتهای حزبی هم در همین حوزه جای می گیرند. (Uslaner, ۲۰۰۵: ۳۷۶) با این همه، نگاه به احزاب و فعالیتهای آنها در بسیاری از ادوار از سوی دولت در ایران منفی بوده است. از سوی دیگر، مطبوعات به عنوان رکن چهارم دموکراسی نیز در کنار احزاب سیاسی به مثابه یکی از ارکان مهم جامعه مدنی قلمداد می شود و فعالیت آزادانه مطبوعات با توجه به اثرگذاری آن بر افکار عمومی و انتقال خواسته های جامعه به دولتمردان، یکی از مصادیق تقویت سرمایه اجتماعی قلمداد می شود. با این همه، در بسیاری از برهه های زمانی در ایران معاصر، مطبوعات نیز همچون احزاب از گزند نگاه منفی دولت در امان نبوده اند. این نوشتار بر نگاه منفی دولت های نهم و دهم بر سه رکن جامعه مدنی یعنی احزاب سیاسی، مطبوعات و سازمان های مردم نهاد (سمن) و اثرگذاری آن بر تضعیف سرمایه اجتماعی در این بازه ی زمانی تاکید دارد.

۶-۲) دولت و تضعیف احزاب و آزادی مطبوعات

در دوره هشت ساله ریاست جمهوری احمدی نژاد، تعداد بسیار کمی از احزاب توانستند پروانه فعالیت از وزارت کشور دریافت کنند و چندین حزب نیز منحل شدند. از سوی دیگر، یارانه پرداختی به احزاب هم قطع شد؛ فعالیت خانه احزاب نیز کاهش یافت و ساختمان خانه احزاب هم در اختیار وزارت کشور قرار گرفت. «در این دوره، یعنی در فاصله ی زمانی سوم تیر ۱۳۸۴ تا اردیبهشت ۱۳۹۲، با توجه به لطماتی که به کشور از افراط در مباحث توسعه ی سیاسی وارد گردید و کشور در خلال هشت سال آوردگاه جدال های احزاب و جناح های سیاسی گردید، نوعی عدم اقبال به فعالیت احزاب صورت گرفت که می توان از آن به بدبینی فعالیت احزاب از سوی دولت نهم یاد کرد. در واقع، احزاب و تحزب از سوی برخی از مهم ترین دولتمردان به مثابه فعالیتهای بی فایده، محل وحدت و ثبات و پیشبرد امور اقتصادی و رسیدگی به نیازهای اساسی

◊ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و هشتم، پاییز ۱۳۹۸ ———

جامعه معرفی گردیده است.» (اخوان کاظمی، همان: ۱۵۰) در این بازه زمانی هشت‌ساله، حرکت‌ها و جبهه‌های حزبی سابق، بعد از عدم کسب توفیقات لازم در عرصه‌ی انتخابات، دچار دوران رکود شدند. یکی از دلایل اصلی رکود احزاب و فعالیت‌های حزبی، نگاه شخص رییس‌جمهور احمدی‌نژاد به حزب بود و وی بارها وابستگی خود و دولت‌ش را به احزاب و جناح‌ها انکار نمود: «دولت نهم جز به خدا و مردم، به هیچ حزب و جناحی بدهکار نیست و آنچه در این مسیر برای این دولت اهمیت دارد، همانا رضایت خدا و مردم خواهد بود.» رییس‌جمهور در یک جمع دولتی رسماً اعلام کرد که احزاب نباید در امور کشور دخالت کنند. «سیاری از شخصیت‌های سیاسی و کارگزاران دولت نهم مُصر بودند که وابستگی خطی، جناحی و حزبی ندارند و با غرور و افتخار تاکید داشتند که عضو هیچ گروه، دسته و حزبی نیستند و به هیچ‌کجا وابستگی ندارند و در واقع، عضو حزب بودن یا وابستگی جناحی و سیاسی داشتن - ولو در احزاب سالم - فی‌نفسه مقوله‌ای ضد ارزش تلقی می‌شد. (اخوان کاظمی، همان: ۳۰۱) معاون سیاسی رییس‌جمهور نیز اظهار می‌داشت که مردم با رای دادن به احمدی‌نژاد، از حرکت وی جهت درهم شکستن استبداد حزبی حمایت کرده‌اند. (Asayesh & Etal, ۲۰۱۱: ۲۲۴) به این ترتیب، روشن می‌شود که احزاب در نگاه رییس دولت وقت و دولت‌مردان حاکم اصولاً جایگاهی نداشت و نگاهی منفی به حزب و فعالیت حزبی در کشور حاکم بود. این نگاه دولت موجب می‌شد تا احزاب در انجام کارویژه‌های اصلی خود که همانا انتقال خواسته‌های جامعه به دولت و بسترسازی برای مشارکت سیاسی در سطوح مختلف و در نهایت، افزایش اعتماد به حکومت است، بازمانده و رکودی عمیق بر انجام فعالیت‌های حزبی در کشور حاکم گردد. در این دوره، فعالیت حداقل دو حزب برجسته یعنی سازمان مجاهدین انقلاب و جبهه مشارکت نیز لغو شد. «جبهه مشارکت قوی‌ترین حزب سیاسی بود که پس از انقلاب اسلامی شکل گرفته بود.» (Asayesh & Etal, Ibid: ۲۳۱) این اقدامات در نهایت موجبات تضعیف جامعه مدنی و احزاب که رکنی مهم از جامعه مدنی را تشکیل می‌دهند، فراهم آورد و ماحصل تضعیف احزاب نیز کاهش اعتماد به حکومت بود. «می‌دانیم مهمترین عاملی که اساس ایجاد ارتباطات سیاسی برای فرایند مشارکتی مردم در نظام به شمار می‌رود، اعتماد متقابل مردم و نظام است... چرا که در فضای بی‌اعتمادی، تمایل مشارکت و دخالت مردم در نظام بسیار کم خواهد بود.» (نصوحیان، ۱۳۸۷: ۱۷۱) اما در پایان دوران ریاست جمهوری آقای احمدی‌نژاد، شاهد کاهش اعتماد مردم به دولت بودیم. در این زمینه می‌توان به آمار بدست آمده در سنجش سرمایه اجتماعی کشور که در سال ۱۳۹۳ انجام گرفته، اشاره کرد. هرچند این آمار مربوط به ماه‌های ابتدایی پس از پایان عمر دولت دهم است، اما روشن است که نتایج بدست آمده را باید ناشی از عملکرد ۸ ساله دولت دهم در نظر گرفت. بر اساس آمارهای بدست آمده در این پیمایش کشوری نزدیک به ۷۰ درصد

_____ دولت، جامعه مدنی و سرمایه اجتماعی در ایران (بررسی سال های ۱۳۷۶-۱۳۹۲) ۵
پرسش‌شوندگان اعتماد به دولت را در سطح متوسط به پایین دانسته‌اند و تنها ۳۰ درصد
پرسش‌شوندگان اعتماد بالایی به دولت و اعضای هیات دولت داشته‌اند. (سرمایه اجتماعی
کشوری، ۱۳۹۴: ۴۲۹).

در این دوره همچنین مطبوعات نیز در وضعیتی سخت گرفتار آمدند. با وجود آن که رییس
دولت بارها اعلام کرده بود انتقادات را می‌پذیرد و هیچ روزنامه‌ای با شکایت دولت تعطیل
نخواهد شد، در این دوره، حداقل ۲۷ روزنامه در حوزه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و حتی
هنری تعطیل شدند. (پایگاه خبری-تحلیلی ندای ایرانیان، ۹۶/۱/۲۷) نکته‌ای که در این
خصوص باید اشاره کرد، این است که توقف این مطبوعات به صورت مستقیم با عدم تحمل
دولت در برابر انتقادات در ارتباط بود و این مطبوعات نه با حکم دادستانی، بلکه با حکم هیات
نظارت بر مطبوعات که دولت در آن قدرت زیادی دارد، صورت گرفته است. اما نگاه منفی دولت
نهم و دهم که در ادبیات سیاسی رایج به نام دولت عدالت‌محور نیز شناخته می‌شود، تنها شامل
حال احزاب و مطبوعات نبود و یکی دیگر از ارکان مهم جامعه مدنی یعنی سازمان‌های
غیردولتی یا NGOs را نیز در بر گرفت.

۷. دولت و سازمان‌های مردم‌نهاد (NGOs)

عمر سازمان‌های مردم‌نهاد به سال‌ها پیش‌تر بر می‌گردد، اما «نخستین سازمان‌های مردم‌نهاد در
عصر معاصر در قالب اتحادیه‌های کارگری در دهه ۱۹۱۰ شکل گرفتند.» (Willets, ۲۰۰۵: p۱)
اصطلاح سازمان‌های جامعه‌ی مدنی گسترده است و شامل سازمان‌های غیردولتی
(NGOs)، موسسات خیریه، بنیادها، گروه‌های طرفداری، اتحادیه شرکت‌ها و تمامی انجمن‌های
ملی و فراملی غیردولتی می‌شود که همگی اشکال خاص سازمان‌های تشکیل‌دهنده‌ی جامعه‌ی
مدنی هستند (Hutter and Mahony, ۲۰۰۰: ۱) در خصوص سازمان‌های غیردولتی، تعاریف
گوناگونی وجود دارد. «دایان اتو معتقد است یک سازمان غیردولتی، شخصیتی غیرانتفاعی است
که اعضای آن شهروندان یا مجموعه‌ای از شهروندان یک یا چند کشور هستند که نوع فعالیت
آن به منظور پاسخ‌گویی به نیازهای افراد جامعه و یا جوامعی که سازمان مذکور با آن همکاری
می‌نماید، تعیین می‌شود. در تعریفی دیگر، جک پلانو و ری التون، معتقدند سازمان غیردولتی،
سازمانی است با سازوکاری برای فراهم ساختن زمینه همکاری میان گروه‌های ملی درباره
مسائل بین‌المللی به‌ویژه در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، انسان‌دوستانه و تکنیکی.»
(گلشن‌پژوه، ۱۳۸۱: ۳۰) بسیاری باور دارند که برای درک بهتر مفهوم جامعه‌ی مدنی در دوران
معاصر باید به حوزه‌ی عمومی به مثابه مجموعه‌ای جدا از دولت و بازار توجه کرد. (Laine, ۲۰۱۴: ۶۰)
سازمان‌های مردم‌نهاد نقش بسیار مهمی در جوامع ایفا می‌کنند، آن‌ها از جامعه

◇ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و هشتم، پاییز ۱۳۹۸ ———

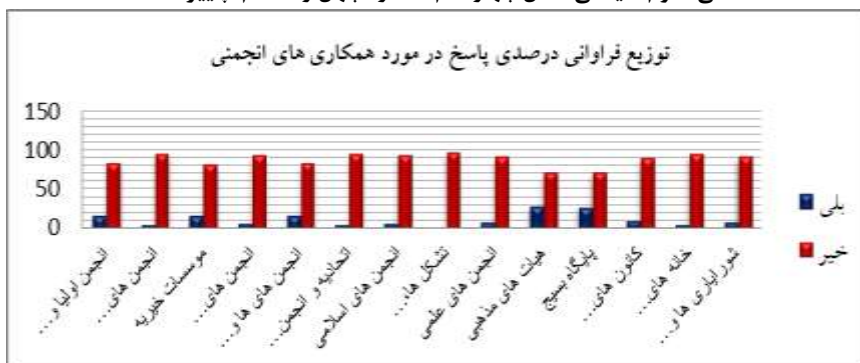
مراقبت می‌کند و با راه‌اندازی و تقویت برنامه‌های مرتبط با آموزش، بهداشت، رفاه اجتماعی و بهبود اوضاع اقتصادی، موجبات توسعه جامعه را فراهم می‌کنند. سازمان‌های مردم‌نهاد از این طریق به صورت مستقیم و غیرمستقیم رویه‌های دموکراتیک را نیز تقویت می‌کنند. (Ball and Dunn, ۱۹۹۱, ۸) یکی از مهم‌ترین کارویژه‌های سازمان‌های مردم‌نهاد به عنوان بخشی از جامعه مدنی تقویت سرمایه اجتماعی با بکارگیری نیروهای مردمی و تقویت فعالیت‌های داوطلبانه در سطوح و ابعاد مختلف است. فوکویاما همچون بسیاری دیگر از نظریه‌پردازان سرمایه اجتماعی بر این باور است که هرچه در جامعه مشارکت مدنی، تعداد انجمن‌های داوطلبانه یا به عبارتی، سازمان‌های مردم‌نهاد بیشتر باشد، سرمایه اجتماعی نیز بیشتر خواهد بود. (فوکویاما، ۱۳۸۴: ۱۸۶) پاتنام هم در کتاب «بازی بولینگ یکنفره» (۲۰۰۰) رابطه کاهش سرمایه اجتماعی در امریکا را با کاهش عضویت و فعالیت شهروندان در انجمن‌های داوطلبانه جستجو می‌کند و عمده‌ترین شاخص‌های سرمایه اجتماعی را زندگی سازمانی (از جمله حضور و خدمات در سازمان‌های محلی، تعداد سازمان‌های اجتماعی و محلی و میزان عضویت در گروه‌ها) و مشارکت در امور داوطلبانه (از جمله تعداد سازمان‌های غیردولتی) و اعتماد می‌داند. در جامعه مدنی، سازمان‌های غیردولتی به عنوان نهادهای مدنی، مولد و دربرگیرنده سرمایه اجتماعی هستند و زمینه را برای توسعه اجتماعی فراهم می‌کند. (پاتنام، ۱۳۸۹: ۳۰۹) به این ترتیب، روشن است که تقویت سازمان‌های مردم‌نهاد و عملکرد موثر آن‌ها در حوزه‌های مختلف که با بسیج عمومی داوطلبانه همراه است، به صورت اساسی در تقویت سرمایه اجتماعی اثرگذار خواهد بود. در این میان روشن است که رویکرد دولت به عنوان بازیگر اصلی عرصه سیاست و سیاست‌گذار موثر در زمینه تشکیل و تقویت سازمان‌های مردم‌نهاد، خود وزنی اساسی در این زمینه ایفا می‌کند. اما به نظر می‌رسد نگاه دولت در ایران معاصر در بسیاری از مقاطع تاریخی از جمله دوران ۸ ساله دولت نهم و دهم به فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد منفی بوده است.

۷-۱) دولت و تضعیف سازمان‌های مردم‌نهاد

«همواره استدلال شده که انجمن‌های مدنی به کارآمدی و ثبات حکومت دموکراتیک کمک می‌کنند، هم به خاطر تأثیرات «داخلی شدن» بر اعضا و هم به خاطر تأثیرات «خارجی‌شان» بر نظام سیاسی وسیع‌تر.» (پاتنام، ۱۳۹۲: ۱۵۹) از آنجا که سرمایه اجتماعی اساساً در خارج از بخش دولتی به وجود می‌آید، چنانچه دولت‌ها وظایف جامعه مدنی را در دست گیرند، سرمایه اجتماعی را تهی می‌کنند. «سیاست‌های دولت باید از طریق ارزش‌های فرهنگی جدید با اشکال مختلف جامعه‌پذیری بیشتر رفتار و انگیزه‌های مردم را دگرگون سازد. لازمه‌ی تغییر رفتار و انگیزه‌های

دولت، جامعه مدنی و سرمایه اجتماعی در ایران (بررسی سال های ۱۳۷۶-۱۳۹۲) ۵

مردم نیز به وجود آمدن احزاب و انجمن‌های گوناگون در جامعه می‌باشد. به همین خاطر، دولت باید برای تقویت سرمایه اجتماعی بین‌گروهی در جامعه، زمینه‌ی مشارکت فعال مردم در انجمن‌های داوطلبانه را فراهم سازد.» (چلبی و مبارکی، ۱۳۸۴: ۳۹-۴۰) با این همه، آمارها نشان می‌دهد دولت‌ها در این زمینه در ایران موفق نبوده‌اند. بر اساس آمارهای موجود، اعتماد اجتماعی به مثابه یکی از مهم‌ترین مولفه‌های سرمایه اجتماعی در فاصله سال‌های ۱۳۸۳-۱۳۵۳ به حدود ۱۵ درصد می‌رسد و در این بین، اعتماد مردم به مسئولین و اطمینان آنان از رعایت حقوق و تکالیف شهروندی بسیار پایین است. به طور کلی، سرمایه اجتماعی در اغلب موارد به‌ویژه از جنبه روابط انجمنی که از مولفه‌های سرمایه اجتماعی جدید به شمار می‌رود، چندان مطلوب به نظر نمی‌رسد. (غفوری و جعفری، ۱۳۸۷: ۲۳۱) این مهم در دوران دولت‌های نهم و دهم نیز تداوم داشته است که تا حدود زیادی به نگاه و عملکرد رییس‌جمهور به سازمان‌های مردم‌نهاد برمی‌گردد. «سازمان‌های مردم‌نهاد یا سمنها در دولت نهم و دهم بسیار ضعیف شدند. در حالی که سال ۸۴ بیش از ۴ هزار سمن در کشور فعالیت می‌کرد، این تعداد از سال ۸۴ تا ۹۲ به شدت تقلیل پیدا کرد و به ۵۴ سمن رسید. (حیدری و جمشیدی، ۱۳۹۵: ۱۴۵) دولت در این بازه زمانی ۸ ساله به تشویق و تاسیس سازمان‌های مردم‌نهاد توجه نداشت و اصولاً با اتخاذ رویکردی دولت‌محور، به ایجاد تمرکز بیشتر بر روی افزایش مسئولیت‌های دولتی و کاهش وظایف بخش خصوصی و نهادهای مردم‌نهاد در بخش‌های مختلف پرداخت. «در این دوره، به دلیل نگاه محدود دولت، نهادهای مدنی که به تدریج وارد فاز تثبیت می‌شدند، با چالش‌های جدیدی روبرو شدند... با وجود شعارهای عدالت‌محورانه، حرکت به سوی عدالت اجتماعی احساس نشد؛ زیرا این حرکت نیاز به ملزوماتی دارد که نه تنها چشم‌انداز روشنی برای آن تعریف نشده است، بلکه پس از گذشت چند ماه نهادهای مدنی [از جمله سازمان‌های مردم‌نهاد] به عنوان نماد کوچکی از حرکت‌های مردم‌محور با اتهامات متعددی همچون براندازی نرم، دریافت پول از کشورهای خارجی، جاسوسی، ابزار دشمن و غیره مواجه شدند. بدین ترتیب، شاهد به حاشیه رانده شدن این نهادها در مشارکت سیاسی در سپهر عمومی بودیم. در این مدت، انگشت اتهام مسئولان همواره به طرف نهادهای مدنی نشانه رفت.» (حیدری و جمشیدی، ۱۳۹۵: ۱۴۲) در مجموع باید گفت موقعیت سازمان‌های مردم‌نهاد در دوره هشت ساله دولت نهم و دهم وضعیتی بدتر پیدا کرد و با تضعیف موقعیت این سازمانها، شاهد کاهش مشارکت مردم در سمن‌ها (سازمان‌های مردم‌نهاد) هستیم. این کاهش را می‌توان در آمارهای به دست آمده در پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان در خصوص همکاری‌های انجمنی دید.



منبع: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۹۵، ص: ۶۳۵

نتیجه گیری

در خصوص سرمایه اجتماعی و چگونگی شکل گیری، تقویت و یا افول آن در ایران، سه منظر کلی وجود دارد. نخست، نامناسب بودن ساخت فرهنگی؛ دوم، نامناسب بودن ساخت اقتصادی و در نهایت، نامناسب بودن ساخت سیاسی یا ساخت قدرت که در هر حالت، نقش و رد پای دولت را به عنوان یکه تاز اصلی صحنه سیاسی، فرهنگی و اقتصادی در ایران می توان مشاهده کرد. در این نوشتار بر روی نقش ساخت قدرت و به تعبیری ساخت سیاسی و نگاه دولت و اثرگذاری آن بر افول سرمایه اجتماعی در ایران تاکید شد. موضوعی که به نظر می رسد همچنان با فراز و نشیب ادامه دارد و تغییر آن و تقویت سرمایه اجتماعی که اتفاقاً همواره مورد تاکید دولتمردان نیز می باشد، نگاه مهربانانه تر دولت به جامعه مدنی را می طلبد که در حکم تقویت جایگاه جامعه در برابر دولت و کاهش تصدی گری و بازیگری دولت در عرصه های مختلف اقتصادی، فرهنگی و حتی سیاسی است. از این رو، به نظر می رسد توجه بیشتر دولت و به تعبیر روشن تر، سیاستگذاران و کارگزاران دولتی به مفهوم سرمایه اجتماعی و تلاش برای ارتقای سرمایه اجتماعی در جامعه ایرانی که همچون موزاییکی متنوع از هویت ها، فرهنگ ها و اقوام گوناگون است، می تواند گام بلندی در جهت تقویت انسجام اجتماعی از سویی و تحکیم ثبات سیاسی از سویی دیگر باشد.

منابع

الف: منابع فارسی

- آبراهامیان، پرواند (۱۳۷۶). **مقالاتی در جامعه‌شناسی سیاسی ایران**، ترجمه سهیلا ترابی فارسانی، تهران: انتشارات شیرازه.
- ارزشها و نگرشهای ایرانیان (۱۳۸۲). **یافته‌های پیمایش در ۲۸ استان**، موج دوم، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- ارزشها و نگرشهای ایرانیان (۱۳۹۴). **یافته‌های پیمایش در ۲۸ استان**، موج سوم، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- الوانی، مهدی و شیروانی علیرضا (۱۳۸۵). **سرمایه اجتماعی (مفاهیم، نظریه‌ها و کاربردها)**، تهران: انتشارات مانی.
- بشیریه، حسین؛ (۱۳۸۴). **موانع توسعه سیاسی در ایران**، چاپ پنجم، تهران: نشر گام نو.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۶). **عقل در سیاست، سی و پنج گفتار در فلسفه، جامعه‌شناسی و توسعه سیاسی**، چاپ سوم، تهران، نشر نگاه معاصر.
- پاک‌سرشت، سلیمان، (۱۳۹۳). **ملاحظات و راهبردهای ارتقای سرمایه اجتماعی**، فصلنامه راهبرد فرهنگ، شماره بیست و پنجم، ۱۰۴-۷۱.
- تاجبخش، کیان (۱۳۸۴). **سرمایه اجتماعی، اعتماد، توسعه و دموکراسی**، تهران: نشر شیرازه.
- چلبی، مسعود و مبارکی، محمد، (۱۳۸۴). **تحلیل رابطه‌ی سرمایه اجتماعی و جرم در سطوح خرد و کلان**، فصلنامه جامعه‌شناسی ایران، دوره ششم، شماره دو، ۳-۴۴.
- حاتمی، عباس (۱۳۸۶). **نظریه‌های دولت مدرن در ایران**، در **افضلی، رسول، دولت مدرن در ایران** (مجموعه مقالات)، قم: انتشارات دانشگاه مفید.
- حیدری، نصرت‌الله و جمشیدی، محسن (۱۳۹۵). **نقش و جایگاه سازمان‌های مردم‌نهاد در مشارکت سیاسی در دوران‌های ریاست‌جمهوری خاتمی، احمدی‌نژاد و روحانی**، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال دوازدهم، شماره سی و ششم، صص: ۱۵۲-۱۲۵.
- دینی ترکمانی، علی (۱۳۸۶). **تبیین افول سرمایه اجتماعی**، فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۳، صص: ۱۷۲-۱۴۷.
- رنانی، محسن و مویدفر، رزیتا (۱۳۹۰). **چرخه‌های افول اخلاق و اقتصاد، سرمایه اجتماعی و توسعه در ایران**، تهران: انتشارات طرح نو.
- زیباکلام، صادق (۱۳۸۵). **ما چگونه ما شدیم؟ ریشه‌یابی علل عقب‌ماندگی در ایران**، چاپ چهاردهم، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- پاتنام، روبرت (۱۳۸۰). **دموکراسی و سنت‌های مدنی (تجربه ایتالیا و درسهایی**

- ♦ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و هشتم، پاییز ۱۳۹۸ —
- برای کشورهای در حال گذر** ترجمه: محمدتقی دلفروز، تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات وزارت کشور.
- سردارآبادی، خلیل‌الله، (۱۳۸۶). **دولت مطلقه مدرن و عدم شکل‌گیری توسعه‌ی سیاسی در ایران، در افصلی، رسول، دولت مدرن در ایران** (مجموعه مقالات)، قم: انتشارات دانشگاه مفید.
- سعادت، رحمان (۱۳۸۷). **برآورد روند سرمایه اجتماعی در ایران (با استفاده از روش فازی)**، مجله تحقیقات اقتصادی، دوره ۴۳، شماره ۲، صص: ۱۶-۱.
- عالم، عبدالرحمن (۱۳۸۲). **بینادهای علم سیاست**، تهران: نشر نی.
- عیوضی، محمد رحیم (۱۳۸۲). **تئوری‌های ساخت قدرت و رژیم پهلوی دوم**، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- غفوری، محمد و جعفری، روح‌الله (۱۳۸۷). **سرمایه اجتماعی، جامعه مدنی و دموکراسی؛ رابطه متقابل یا یکسویه**، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال سوم، شماره دوم، صص: ۲۳۸-۲۰۹.
- صالحی امیری، سیدرضا و کاوسی، اسماعیل (۱۳۸۷). **سرمایه اجتماعی**، تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.
- فاین، بن (۱۳۸۵). **سرمایه اجتماعی و نظریه اجتماعی؛ اقتصاد سیاسی و دانش اجتماعی در طلیعه هزاره سوم**، ترجمه سید محمد کمال سروریان، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۸۵). **پایان نظم، سرمایه اجتماعی و حفظ آن**، ترجمه غلامعباس توسلی، چاپ دوم، تهران: انتشارات حکایت قلم نوین.
- فیروزجانیان، علی اصغر (۱۳۸۷). **فراتحلیل مطالعات انجام شده در حوزه ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی**، راهبرد فرهنگ، شماره ۲، صص: ۱۴۷-۱۲۳.
- فیلد، جان (۱۳۸۶). **«سرمایه اجتماعی»**، ترجمه غلامرضا غفاری و حسین رضانی، تهران: نشر کویر.
- کلابو اسمیت، برایان (۱۳۸۰). **فهم سیاست جهان سوم**، ترجمه امیر محمد حاجی یوسفی و محمد سعید قائنی نجفی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- کلمن، جیمز (۱۳۷۷). **بنیادهای نظریه سرمایه اجتماعی**، ترجمه صبوری، تهران: نشر نی.
- گودرزی، غلامرضا (۱۳۸۹). **درآمدی بر جامعه‌شناسی استبداد ایرانی**، تهران: انتشارات آگاه.
- مارتین، ونسا (۱۳۸۹). **عهد قاجار**، مترجم حسن زنگنه، تهران: انتشارات ماهی.
- نصوحیان، محمد مهدی (۱۳۸۷). **نقش اعتماد متقابل حکومت و مردم در روند توسعه سیاسی**، فصلنامه راهبرد یاس، شماره ۱۴، ۱۸۰-۱۶۵.
- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۹۵). **یافته‌های پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های**

_____ دولت، جامعه مدنی و سرمایه اجتماعی در ایران (بررسی سال های ۱۳۷۶-۱۳۹۲) ۵
ایرانیان، موج سوم، تهران، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
-همس، لزلی و تونکیس، فران (۱۳۸۷). **اعتماد و سرمایه اجتماعی، مجموعه مقالات**، ترجمه
محمد تقی دلفروز، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

ب. منابع لاتین

- Ball, Colin and Dunn, Letih (۱۹۹۱). **Non Governmental Organizations: Guidelies for Good Policy and Practices**, the Commonwealth Foundation, PP: ۱-۸۵ .
- Bourdieu, Pierre, and Wacquant, Loic J. D. (۱۹۹۲). **An Invitation to Reflexive Sociology**, Chicago: University of Chicago Press.
- Evanz, Petter (۱۹۹۶). **Government Action, Social Capital and Development: Reviewing the Evidence in Synergy, World Development**, Volume ۲۴, Issue ۶, pp: ۱۱۳۲-۱۱۱۹ .
- Fokoyama, Francis (۲۰۰۲). **Social capital and economic development**, routledge press .
- Ghaus Pasha, Aisha (۲۰۰۴). **Role of Civil Society Organizations in Governance, in Global Forum on Reinventing Government Towards Participatory and Transparent Governance**, ۲۴-۲۷ May ۲۰۰۵, Seoul, Republic of Korea, PP: ۱-۴۵.
- Hutter, Briget m & Mahony, Joan (۲۰۰۰). **The Role of Civil Society Organisations in Regulating Business, ESRC Centre For Analysis of Risk and Regulation**, pp: ۱-۲۰.
- Jenkins, Richard (۲۰۰۲). **Pierre Bourdieu**, revised edition, London: Routledge.
- Laine, Jussi (۲۰۱۴). **Debating Civil Society: Contested Conceptualizations and Development Trajectories**, International Journal of Not-for-Profit Law, vol. ۱۶, no. ۱, pp: ۷۷-۵۹ .
- Lin, Nan, (۱۹۹۹). **Building a network Theory of Social Capital**. Connections, ۲۲ (۱), PP: ۲۸-۵۱.
- OECD (۲۰۰۱). **The Well-Being of Nations: The Role of Human and Social Capital**. Paris: Office of Economic Cooperation and Development (OECD).
- Ramos Pinto, Pedro (۲۰۰۴). **Social Capital and Civil Society- Exploring a Complex Relationship**, University of Cambridge, ۱-۳۲.

- فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و هشتم، پاییز ۱۳۹۸ ◇
- Willets, Peter. **What is a Non-Governmental Organisation? IHRN Human Rights NGO Capacity-Building Programme** – Iraq, pp: ۱-۱۲ .
 - Uslaner, Eric M (۲۰۰۵). **All for All: Equality, Corruption, and Social Trust**, World Politics, Volume ۵۸, Number ۱, pp۴۱-۷۲ .
 - Wall, Ellen, Gabriele Ferrazzi, and Frans Schryer (۱۹۹۸). **Getting the Goods, on Social Capital**, Rural Sociology, ۶۳(۲).
 - Woolcock, M. & Narayan, D. (۲۰۰۰). **“Social Capital: Implications for Development Theory, Research, and Policy”**, The World Bank Research Observer, ۱۵(۲), ۲۲۵-۲۴۹.
 - World Bank (۲۰۰۷). **“Social Capital for Development”**. Available at: <http://www1.worldbank.org/prem/poverty/scapital/>
 - Zhao, Rouhui and Cao, Liqun (۲۰۱۰). **Social Cahnge and Anomie: A Cross- National Study**, Social Forces. Vol ۸۸, N ۳, pp: ۱۲۰۹